

اقتصاد

رئیس انجمن همه گیر شناسی عنوان کرد

توصیه دستورالعمل‌های دوران کرونا ماسک بزنید

صفحه ۳



سایه سنگین بی‌اعتمادی مردم بر سر طرح ثبت معاملات سکه و طلا

میدان داری دلایان سرپایی!

فعالان بازار طلا و سکه می‌گویند که بسیاری از دلایان بدون هیچ مجوزی در حال فعالیت هستند و برخی از آنها، سریایی معامله می‌کنند و ۲۰۰ کارت بانکی به نام افراد مختلف دارند؛ ضمن اینکه برخی دیگر در همین بازار روزانه ده‌ها ربع سکه غیربانکی به اسم بانکی به مردم بی‌اطلاع و از همه جا بی‌خبر می‌فروشند که روی هر سکه مردم چند میلیون ضرر می‌کنند. طرح ثبت معاملات طلا و سکه در سامانه جامع تجارت در زمانی اجرایی شده که صنعت طلا و جواهر روزهای سختی را از سر می‌گذارند. رکود سنگین بازار و کاهش شدید میل صاحبان نقدینگی به خرید مصنوعات طلا، باعث شده تا اصناف با تنگنای کم‌سابقه‌ای مواجه باشند؛ به شکلی که آمارها نشان می‌دهند تعداد زیادی از کارگاه‌های تولیدی طلا، تنها در یکسال گذشته به ورشکستگی و تعطیلی کشیده شده و کارگران زیادی هم از کار بیکار شده‌اند. البته در کنار شرایط سخت تولیدکنندگان و فروشندگان صاحب مجوز، صنعت طلا و جواهر همواره از حضور دلایان و سودجویان هم رنج برده است؛ چرا که برخی افراد و شبکه‌های سازمان یافته که از گردش مالی بالایی هم برخوردار هستند، با فرار مالیاتی، کلاهبرداری، پولشویی و جعل به کسب و کارهای قانونی آسیب وارد کرده‌اند. به همین دلیل وزارت صمت طرحی را برای بازار طلا و سکه طراحی کرده که در صورت اجرای صحیح می‌تواند ریسک‌های گسترده در جریان خرید و فروش طلا و سکه را کاهش دهد و جلوی قاچاق طلا از کشور را هم بگیرد.

شرح در صفحه ۵

سخن نخست

زلزله و آینده وحشتناک تهران؟

چرا مدتی است که زیاد درباره زلزله و بخصوص زلزله تهران صحبت یا برنامه‌های تلویزیونی و بیشتر از همه، مقالات، آنهم توسط اساتید این رشته در جرائد و فضای مجازی و خبرها نوشته می‌شود و گاهی هم هشدارهای شدید و تند به شهروندان داده می‌شود.

مسئله برای مسائل ژئورالیستیک این کار، بخصوص توسط دانشگاهیان رشته صورت نمی‌گیرد؟ حتما شرایط زلزله ابر شهر تهران را ناخوشایند می‌بینند و بر اساس مطالعات و یافته‌های خود سعی در آگاه سازی مردم و مسئولین دارند.

ادامه در صفحه ۲



فریبرز ناطقی الهی



پایان زندگی هنری کیسینجر در صدسالگی

دیپلمات نابغه‌ای که مسئول مرگ میلیون‌ها نفر بود!

صفحه ۷

بررسی آخرین اقدامات برای مبارزه با سرقت
پلیس سارقان را با بند هوشمند رصد می‌کند

هماهنگی امور گازرسانی شرکت ملی گاز تشریح کرد
چگونه قبض گاز را رایگان کنیم؟

سناریوهای پیش روی طالبان افغانستان برای گریز از فشار پاکستان چیست؟
روبارویی طالبان‌های پاکستان و افغانستان

یادداشت

حاضرند تمام دنیای نداشته خود را بدهند و در ازای آن، فقط یک شب دیگر لذت بودن در کنار شما را باز تجربه کنند.
اما ای شهیدان وادی وصال! فقیرانه از شما می‌خواهیم که ما را فراموش نکنید. دستمان را بگیرید. در این مهلکه‌های دشوار، تنهایمان نگذارید. راه باریک است و آسمان تاریک، توری؛ کمکی؛ مزده ای؛ حتی اندازی و تنبیهی. رشته پیوندی را که با هم داشتیم، نگسلید دستان فقیر ما به آسمان محتاج تر است تا زمین. ما از شما انتظاری جز وفا نداریم. ما را طاقت انتظاری بیش از این نمانده است. بشتابید....
اینک یادآوری گوشه‌ای از آن رشادت‌ها و شهادت‌ها در قالب این کتاب همچون نسیم مطهری است که بار دیگر عمل دل انگیز آن لاله‌های بهشتی را به مشام خوانندگان می‌رساند و پرتو هدایتی است تا از آن حماسه سازان فرا روی رهروان و آیندگان قرار گیرد. پندار ما این است که شهدا رفته اند و ما مانده ایم، اما حقیقت آن است که شهدا زنده اند و زمان ما را با خود برده است. (شهید مرتضی آوینی)
شهادت راهی است که خداوند برای بقای پندگان خاص خودش قرار داده. شهید شاه عالم ناسوت است و ما نیز مردگان عادت روزمره دنیا و چه خام نظریم که خود را قادر بر توصیف شاهدان این عالم بدانیم چرا که دون را از عالی خبری نیست! اما هر آنچه که در توصیف شاهدان نوشته و گفته می‌شود تذکری است برای صیقل قلب‌های ما جاماندگان تا همچو برقی بر وجود غفلت زده ما فرود آید و چراغ راهی در این ظلمت زده آخرالزمان باشد. در آخر از استاد گرانقدر و فرهیخته ام جناب آقای دکتر علی اصغر پورعزت برای خلق چنین اثری صمیمانه تشکر کرده و علو درجات و هم نشینی با شهدای کربلا را از خداوند منان برای ایشان مسئلت دارم.

اما فقیرانه از شما یاران ملکوتی می‌خواهیم که شما نیز به یاد دوستان و هم سنگران قدیمی خود باشید و گاه گاهی این لطف کریمانه خود را به ما بنمایانید و به ما کمک کنید تا بتوانیم هر چه نیکوتر بارهای زمین مانده از دوش‌های پرتوئان شما را به مقصد برساییم. شما به خوبی می‌دانید که سختی و سنگینی وداع جزع انگیز شما، بر ما بسیار گران آمده و ما در فراق شما با مسائل و مشکلات بسیاری دست به گریبانیم. ما به خاطر ایستادگی بر سر ارزش‌هایی که با شما آفریدیم، درها و رنج‌های زیادی کشیده ایم و در نبودتان، نیش آتشین طعنه‌ها و زخم سوزناک تمسخرها را به جان خریدیم. می‌خواستیم بگویم که ای کاش بودید و می‌دیدید... ولی جمله ام را اصلاح می‌کنم و می‌گویم خوش به حال شما که رفتید و ندیدید که آری، همان‌هایی که جنگ به آن مهابت و سختی را مدیریت می‌کردند و قدر سخت و دشوار است. راستی نمی‌دانم می‌دانید یا نه که بچه‌های جنگ، همان‌ها که در عرصه پرشور دفاع و جانبازی، نوجوانان و جوانانی کم سن و سال بودند، اینک همگی یا به سن گذاشته و پیر شده‌اند، و موهایشان با سپیدی و صورت‌هایشان با چین و چروک‌ها آشنا شده است. منتشرة از سوی سازمان تامین اجتماعی نیز نشان می‌دهد که سیر محاصره‌های ترسناک را به مدد الهی در هم می‌شکستند، اکنون هریک در گوشه‌ای از این شهر بزرگ بی‌سروته، در حصار مشکلات پر شمار به ظاهر کوچک اما طاقت فرسا به اسارت افتاده‌اند و البته هزارچندی، شاید ماهی یک سالگی یار، آن هم به کمک معجزه روح ملکوتی شما و به بهانه زنده نگه داشتن یاد و خاطره شیرین شما، گرد هم جمع می‌شوند و... ساعتی، سلامی و صلواتی و رضه‌ای و نم اشکی و... و سپس باز در هیاهوی خیابان‌ها و خانه‌ها گم می‌شوند. این‌ها، همان دوستان شمايند که بی‌تابانه

و زحمت زنده نگه داشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج‌سی ساله امام سجاد علیه الصلاه و السلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیها السلام از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را نگه‌دارند، بعد از آن هم همه ائمه علیهم السلام تا دوران غیبت، این رنج را تحمل شدند. امروز، ما چنین وظیفه‌ای داریم. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)
جنگ اگرچه تلخ و ناخوشایند است، اما از آن روی که جوهره مستور آدمی را در حضور صحنه‌های به رنگ خون آشکار می‌سازد؛ عرصه امتحان و معرفت نفس است و چه نیکو صفت بودند آنان که جان در طبع اخلاص نهادند و آن در آتش جنگ گذاشتند؛ لایق حضور گشتند و در حرم امن الهی سکنی گزیدند آنان که خداوند در وصفشان فرمود: «وَلَا تُحَسِبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرِزُونَ». مردانی که با اخلاص و ایثار خون سرخ خود را نثار جامعه کردند و جلوه‌های اطاعت و ولایت را در برابر جهانیان به منصفه ظهور و بروز گذاشتند. اکنون ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۲ هجری خورشیدی است و بیش از سی و چهار سال از پایان جنگ تحمیلی می‌گذرد. آنچه از آن حماسه‌سنگ به جا مانده، برای شهیدان والا مقام، دستیابی به اوج آرزوهای معنوی و حضور در حلقه نورانی وصال معبود یکتا بوده و برای ما که از کاروان کوچندگان حریم یار وامانديم، ماندگاری در قافله غافلان و وانفسای زندگی مادی و بیخ و خم هزارتوی زندگی روزمره است. اما ای شهیدان راه عشق! شما به خوبی می‌دانید که ما برای شما، دوستان و هم سنگران بی‌وفایی نبوده‌ایم و همواره برای زنده نگه داشتن نام و یاد شما، در حد بضاعت مان کوشیده‌ایم. نمی‌دانیم تا چه اندازه توانسته‌ایم یاد شما را زنده نگه‌داریم، و از آن تمم، راه شما را با اعمال صالح خود در تاسی به رفتارهای نیکوی شما، به دیگران بازساناییم،

مختصات حکومت حق مدار در آرمان شهدا



سجاد عابدی
نگاهی به کتاب «داستان حکومت به منزله میراث شهدا» تألیف دکتر علی اصغر پور عزت، استاد دانشگاه تهران. «هرگز میندازید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه زندگانی هستند که در پیشگاه پروردگار خوش روزی دارند. از آنچه خداوند از لطف خود بدان بخشیده شادمانند و درباره کسانی که هنوز بدانان نیپوسته اند خوشوقتند؛ چرا که نه یبمی بر آنهاست و نه اندوهناک می‌شوند. به نعمت و بخشش الهی شادمانند و به اینکه خداوند پادشای مومنان را از میان نمی‌برد.» (آل عمران، ۱۶۹-۱۷۱)

برای شروع از متنی که در مقدمه کتاب آورده شده است استفاده می‌کنم که مرا به شدت در فکر فرو برد. «تاکون در باب معنی و مفهوم حکومت، سخنها گفته شده و مجموعه‌ای از استعاره‌های خوب و بد درباره آن به کار رفته و با تعبیر گوناگون، ستوده یا نکوهیده شده است؛ از «فرشته محافظ» گرفته تا «هیولای مستبد و سلطه گر»؛ از ایفا گر نقش «پدر» گرفته تا دولت «پاسبان» یا «دورغه» یا «سگ نگهبان» و از «عطیه الهی» گرفته تا «شر لازم و ضروری»!

اما در کتاب فوق توصیفی جدید برای حکومت به کار می‌رود: «یادگار و میراث شهید». وقتی این جمله را خواندم یاد سخنی از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ی (حفظه الله) افتادم که فرموده بودند: «گاهی رنج

یادداشت

گزارش‌های موجود، بدهی دولت به تامین اجتماعی بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است با این وجود روشن است که دولت به جای اینکه بستر اشتغال را در جامعه فراهم کند تا آورده صندوق‌های بازنشستگی افزایش یابد، خودش بزرگترین بدهکار به سازمان تامین اجتماعی است.
به هر روی طبق مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی درباره سن بازنشستگی جدید، سقف میزان سابقه خدمت شاغلان اینگونه افزایش داده شده که آقایان شاغل ورودی ۱۴۰۳ را بعد، برای بازنشستگی باید ۳۵ سال سابقه خدمت یا ۶۲ سال سن و بانوان شاغل ورودی همین سال نیز باید ۳۰ سال سابقه خدمت یا ۵۵ سال سن داشته باشند. البته این موضوع برای شاغلان در حال خدمت به صورت تصاعدی و زمان‌دار بوده که بین ۲ تا ۵ ماه است اما آن دسته از شاغلانی که تا سال ۱۴۰۴ به‌طور کامل ۳۰ سال بیمه خود را پرداخت کنند، بازنشست خواهند شد. حال سخن اینجاست که چرا مجلس و دولت به جای اصلاحات ساختاری و بسترسازی برای رشد و رونق صندوق‌ها از اصلاحات سیستمی و ساختاری استفاده کرده و برای حل ناترازی‌های شدید صندوق‌های بازنشستگی و کسری آنها، به اصلاحات سطحی که همانا افزایش سن بازنشستگی است روی آورده‌اند؟
چنانچه طی سنوات گذشته فرصت‌های گسترده ایجاد اشتغال در کشور فراهم می‌شد و با مدیریت کارشناسانه و قوی در صندوق‌ها برای کسب سود هنگفت از منابع موجود صورت می‌گرفت بی‌تردید توازن منابع در صندوق‌ها رخ می‌داد و برای بویایی و افزایش منابع صندوق‌های بازنشستگی، نیازی به افزایش سن بازنشستگی نبود.

باید اصلاحاتی در سن بازنشستگی ایجاد شود تا صندوق‌های بازنشستگی به‌دلیل کاهش ضریب پشتیبانی در پی خروج گسترده نیروهای کار بازنشسته دهه هفتاد و هشتاد، برای پاسخگویی به حقوق آنها قدرت تاب‌آوری لازم را داشته باشند زیرا طی دو دهه گذشته ترکیب جمعیتی شاغل کشور از نظر سنی نامتوازن شده و ادامه این روند، مشکلات زیادی را متوجه تامین منابع مالی صندوق‌های بازنشستگی کرده است.
به تعبیری دیگر، نسبت پشتیبانی به‌عنوان شاخصی که نشان‌دهنده وضعیت جریان مالی ورودی به جریان خروجی صندوق‌هاست باید با نسبت تعداد بیمه‌شدگان به تعداد پرونده‌های مستمری‌بگیران برابر باشد. ولی این توازن مدت‌هاست به هم خورده است و بررسی آمارهای منتشره از سوی سازمان تامین اجتماعی نیز نشان می‌دهد که سیر تغییرات این شاخص طی یک دهه گذشته نیز برای این سازمان به‌شدت نزولی بوده است. یعنی به تعدادی که شاغلان در کشور پس از ۳۰ سال کار بازنشسته می‌شوند به همان نسبت نیروی کار جذب نمی‌شود تا آورده صندوق‌ها نیز تقویت شود. این ناهمگونی و ناهمخوانی ترکیب جمعیتی شاغل در کنار عدم مدیریت درست صندوق‌ها در بکارگیری منابع برای کسب سودهای مناسب از منابع صندوق‌ها باعث شده است تا صندوق‌های بازنشستگی روزبه‌روز با مشکل کمبود منابع روبه‌رو شوند. حال از آنجا که میزان منابع پشتیبانی صندوق‌های بازنشستگان لشکری و کشوری از طریق بودجه سنواتی تامین می‌شود، این گروه دغدغه‌چندانی نسبت به کارگران که اندوخته‌های چندین ساله آنها در صندوق‌های تامین اجتماعی است، ندارند. جالب اینجاست که بزرگترین بدهکار صندوق‌های بازنشستگی تامین اجتماعی، دولت بوده که طبق

سازمان تامین اجتماعی و... ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و احتمال بروز ایجاد بحران در آنها را گوشزد می‌کنند و معتقدند چنانچه با راهکارهای اصولی کارشناسانه، فکری اساسی برای حل این مسأله مهم نشود، احتمال ورشکستگی و ایجاد بحران کمبود منابع صندوق‌ها در آینده نزدیک دور از انتظار نیست. حال دولت و مجلس با هم‌فکری برای جلوگیری از بروز چنین بحرانی، شرایط را مناسب دیده و موقعیت را مغتنم شمرده‌اند که در جریان بررسی مفاد لایحه برنامه هفتم توسعه کشور، سن بازنشستگی را افزایش دهند؛ اقدامی که هرچند باعث آزرده‌خاطر شدن نیروهای شاغل و افرادی که در صف اشتغال قرار دارند، شده است (چه شاغلان دیگر در سن ۶۰ سالگی و یا ۳۰ سال سابقه کار بازنشسته نمی‌شوند)، اما آنگونه که معلوم است چنین پیشنهادی از سوی دولت بوده و مجلس نیز باتوجه به وضعیت نگران‌کننده صندوق‌های بازنشستگی ناگزیر به تصویب آن شده است تا با این راهکار جلوی ورشکستگی صندوق‌ها گرفته شود.
حال این پرسش مطرح است که چرا ناترازی صندوق‌های بازنشستگی باید با افزایش سن بازنشستگی بخوانید سن کار، ترمیم شود؟ در حالیکه شاغلان همیشه قبل از اینکه حقوق ماهانه خود را دریافت کنند، حق بیمه، سهم بازنشستگی و... آنها از حقوقشان برداشته می‌شود؟ توجیه دولت و مجلس در تصویب افزایش سن بازنشستگی این است که علاوه بر ناترازی‌های مشهود، شاخص سن امید به زندگی مردم نیز طی چند سال اخیر افزایش و از ۵۷ سال در ۳۰ سال گذشته به ۷۷ سال رسیده و در چنین شرایطی وضعیت استمرار پرداختی‌ها از سوی صندوق‌ها نیز بیشتر می‌شود. بنابراین برای متناسب‌سازی این موضوع

صندوق‌هایی که عمر و سرمایه‌ها را می‌بلعد



سعیداشتیاقی
افزایش سن بازنشستگی که به‌تازگی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه به تصویب رسید، مهمترین و البته پر سر و صداترین مصوبه‌ای بود که نه تنها شاغلان و جویندگان کار را با شوک و حیرت روبه‌رو کرده است بلکه خیرگان اقتصادی و کارشناسان بازار کار را نیز مات و مبهوت کرده

چهار وجود ظرفیت‌ها فراوان و بنیه قوی مالی صندوق‌های بازنشستگی اما در طول سال‌ها، مدیریت منابع برای ایجاد سرمایه‌گذاری‌های پربازده پایدار طوری نبوده است که بازگشت قابل توجه سرمایه‌ها مانع از ناترازی این صندوق‌ها شود.
ناترازی که البته بخش عمده آن حاصل ضعف‌ها و سوءتدبیرهای مدیریتی است ولی در کنار این ناکارآمدی‌ها باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که مسائلی چون تغییر رشد جمعیتی نیروی کار و ناموزون بودن آن در کشور طی سه دهه گذشته مزید بر این مشکلات شده تا صندوق‌های بازنشستگی در برهه‌ای از زمان به‌دلیل ناهمخوانی آورده‌ها و خروج منابع به‌دلیل خیل عظیم بازنشستگان در سال‌های اخیر با مشکل جدی کسری برای تامین نیازهای برحق ذینفعان چنین صندوق‌هایی شود.
البته سال‌هاست کارشناسان و حتی مسئولان و مدیران دست‌اندرکار